

بازیهای محلی گازرون (۷)

تنگسه بازی

این بازی مخصوص فصل زمستان و روزهای بعد از باران است که زمینها گل آلود و نرم میباشد. کودکان از شاخه‌های درختان چوبهائی باندازه‌های ۲۰ تا ۳۰ سانتی متر میبرند و یکسر آنها را میتراشند تا تیز شود و آنها را میخ یا «تنگسه» (با کسر حروف ت. گ. س) مینامند. «تنگسه» بر حسب شکل و اندازه و کلفتی اش اسامی مختلفی بخود میگیرد از اینقرار:

«غج» (باضم اول) به تنگسه‌های کلفت و بزرگ و بلند گویند. این کلمه را در اصطلاح محلی به آدم‌های گردن کلفت و زورمند نیز میگویند.

«لیش» - تنگسه‌های نازک و کوچک را «لیش» گویند، همچنین آدمهای لاغر و باریک اندام را نیز «لیش» خوانند.

«کتل» - (باضم اول و ثانی) به آدمهای کوتاه قد و همچنین تنگسه‌های کوتاه گویند.

«گمیل» - (با کسر گ و پ) به تنگسه‌های کوتاه و کلفت گویند.

«چم‌خل» - چم (با کسر اول) بمعنی بیج و خم رودخانه و چوب است و خل (بافتح اول) بمعنی کج میباشد. «چم‌خل» به تنگسه‌هائی گفته میشود که نوک آن کج باشد.

«لتوک» : ل ت (بافتح) بمعنی نیمه و لتوک بمعنی چیزی است که قطعه‌ای از آن شکسته شده باشد. تنگسه‌هائی را که شکاف برداشته باشد «لتوک» گویند. این نوع تنگسه‌ها را در بازی نمی‌پذیرند.

بلرز - تنگسه‌هائی را که از ترکه‌های نازک درخت انار ساخته شده باشد «بلرز» گویند زیرا هنگام نشاندن آنها در زمین بلرز در می‌آید.

و اما اصل بازی: ابتدا چند نفر با تعدادی تنگسه به محلی که زمین آن شل و نرم باشد میروند ... سپس یکی از آنها را بلند کردن دست چنان میخ

خود را عمودی بر زمین میکوبد که مقداری از آن در زمین فرو میرود. بعد یکی پس از دیگری میخ‌های خود را بر زمین می‌نشانند بطوریکه درحین نشانیدن تنگسه‌های خود ضربتی هم به میخ دیگران وارد سازند. برنده شدن در این بازی از این قرار است که اگر میخ کسی درحین فرونشستن در زمین با ضربت خود، میخ دیگری را از زمین بر کند و بدور افکند، آن میخ کنده شده بِنفع آن کس میشود. در این بازی شرایط چندی نیز میباشد که ذیلاً شرح داده میشود:

۱- یاوچشاندن، میخ دست است. یعنی اگر بازیگری بقصد محکم ساختن «تنگسه» خود در زمین بانوک یا گل‌بای تنگسه‌اش را فشار دهد، یا برای فهمیدن اندازه استحکام تنگسه دیگری با انگشت فشاری بر آن وارد آورد، تنگسه‌اش را میبازد.

۲- تن نیست: یعنی هیچ بازیگری حق ندارد بجای تنگسه باخته خود تنگسه دیگری را بدهد.

۳- شتلی: شتل (بافتح اول و دوم) بمعنی امتیاز است که بیازنده میدهند بدین صورت که اگر یکی از بازیگران تمام تنگسه‌هایش را باخت، آخرین تنگسه خود را پس از باختن پس میگیرد و یکبار دیگر بازی میبرد.

۴- بز ن درنیار: با این شرط هیچیک از بازیگران حق ندارد پس از فرو نشانیدن تنگسه خود آنرا از زمین بر کند، مگر تنگسه‌ای که بوسیله ضربت تنگسه دیگر از زمین بر کنده شود.

۵- ارده - (بافتح اول و کسر ثالث) هر تنگسه‌ای هنگام فرو نشانیدن در زمین نشینند و بر زمین افقی بیفتد میگویند «ارده» کرده. (شیره کجند را هم ارده گویند).

تیر و قلعه

«تیر و قلعه» یکی دیگر از بازیهای زمستانی کازرون است. ابتدا دایره بزرگی را بر زمین رسم می‌کنند و آنرا قلعه مینامند و سپس بازیکنان هر یک تنگسه‌ای را بر دروازه قلعه گذاشته خود با سنگ کوچک و صافی که در دست دارند و آنرا «سره» (بافتح اول و کسر دوم) نامند به دکه‌ای که در چند قدمی دروازه قلعه قرار دارد میروند. و یکی یکی سنگهای خود را بطرف دروازه قلعه پرتاب می‌کنند و سعی مینمایند که با پرتاب سنگ خود

تنگسه‌ای را از محیط قلعه بیرون اندازند. هر بازیگری که توانست تنگسه‌ای را بوسیله پرتاب «سره» از محیط قلعه خارج سازد برنده آن تنگسه میباشد.

قدش

کودکان در فصل زمستان با تنگسه‌های خود بازی دیگری هم دارند و آن بدین صورت است که یکی یکی تنگسه‌ای را بردیوار میزنند و سعی میکنند که طوری آنرا بردیوار بزنند که در برگشت آن به تنگسه‌های دیگری که بر زمین افتاده برخورد کند و برنده شود.

دختر دهقان

دختر دهقان، دوشینه بگوشم گفت:

اورمزد آمد، با خواسته هنگفت

ببساط اندر، گسترده گل و سنبل

بشاش اندر، با مهر مرا پذیرفت

شاخه‌ها آراست، از غنچه لب بسته

بوستان پیراست، از گلبن نو بشکفت

دهن لاله افشاند، می از ژاله

دمن و دره، از سبزه و گل بنهفت

بلبل شیدا، در شور و نوا آمد

تر گس شهلا، با خواب خماین خفت

زین سپس خواهم، بامن سوی باغ آئی

تا دل پژمان، با مهر تو سازم جفت

گفتش مجریست، امر تو بس، هرگز

نشوم راضی، خاطر شودت آشفت

چون «شهاب» از تو، امید و فادیدی

کهری همرنگ، با لعل لبانت سفت

(طاهری شهاب)